



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی علوم سیاسی

عنوان:

بررسی رابطه میان اسلام سیاسی و اسلام عامیانه:

مطالعه موردی دکتر علی شریعتی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر غلامرضا کاشی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر احمدوند

نگارش:

بهاره قنبری

بهمن 1389

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

اسلام‌خواهی و اسلام‌گرایی اجتماعی و سیاسی در دوره معاصر در هر دو حوزه و بستر فرهنگی خواص و عوام جامعه دچار فعل و انفعالات بسیار شده است. اما آنچه از دید این پژوهش مورد اهمیت بوده نوع سیاست‌ورزی روشنفکران است که با هدف معین و از روی قصد و نیت خاصی با تغییر یا ایجاد نگرش‌ها، رفتارها و روش‌ها در برخورد‌های اجتماعی متن جامعه سعی در تحول در معنای زندگی دینی اینان دارد.

در حالی که دین تبلیغ شده توسط علما و روشنفکران با مفاهیم انتزاعی سر و کار دارد دینی که در عرصه زندگی روزمره جریان دارد به تمامی درگیر با واقعیات عینی است. به این صورت آنچه در عالم واقع در جامعه جریان دارد تخریب و تحقیر منطق زندگی و دین روزمره مردم توسط خواص است در حالی که بسیاری از اخلاقیات، عواطف، ادراکات، کنش‌ها و واکنش‌ها، و اصول عملی تحت تاثیر ایمان و اعتقادات دینی و ضمن زندگی روزمره شکل می‌گیرد. به این ترتیب یکی از محورهای عمده فعالیت روشنفکران دینی برای آزاد کردن مردم از محدودیت‌های سنتی دینی، خرافه‌زدایی و معطوف کردن توجهات به ابعاد دین بوده که مورد غفلت واقع شده‌اند. اما در راستای این وظیفه روشنفکری در تلاش برای گرفتن عنصر احساس و عاطفه، و عقلانی کردن و آگاهی‌بخشی به دین آنان، جوهره و اصالت این دین را می‌ستاند در عین اینکه چیزی را جایگزین آن نمی‌کند. و اینگونه است که شکاف میان این دو خوانش متفاوت از دین عمیق می‌گردد.

بنابراین بر خلاف گرایش غالب امروزه علما و روشنفکران که زندگی و دین روزانه مردم عادی را امری ثانویه، فرعی و غیراصیل می‌پندارند، باید با استفاده از نگرش عمل‌گرایانه و عقل‌گرایی حداقلی، پایگاهی معرفت‌شناسانه برای دین توده مردم در نظر گرفت و به این سان بازتولید اخلاقی و تجدید اصالت آن را در سطوح مختلف و مقاطع زمانی گوناگون تضمین و تقویت کرد.

اگر شایسته باشد تقدیم به

استوارترین تکیه گاه هستی پدرم

و

پاک‌ترین فرشته گیتی مادرم

با تشکر و سپاس فراوان از

استاد راهنما جناب آقای دکتر محمدجواد غلامرضا کاشی که با رهنمودهای دقیق و مشفقانه و یاری

و مساعدت این استاد فرهیخته، سختی‌های این مسیر دشوار هموار شد. و من شاگردی ایشان را افتخار

خویش می‌دانم.

استاد مشاور جناب آقای دکتر شجاع احمدوند که توصیه‌های ایشان به پیشبرد اهداف پژوهش بسیار

کمک نمود.

استاد داور جناب آقای دکتر رهبر که در نهایت این کار را مورد ارزیابی قرار دادند.

و نیز

جناب آقای دکتر ابوالفضل دلاوری که در طول دوره کارشناسی ارشد از محضر معرفت و تقطه

نظرات ایشان کسب فیض نمودم.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات تحقیق

1.....	طرح مساله.....
4.....	هدف تحقیق.....
4.....	اهمیت تحقیق.....
5.....	سوالات تحقیق.....
5.....	فرضیه‌ها.....
6.....	تعریف مفاهیم.....
12.....	روش تحقیق.....
13.....	مشکلات و موانع تحقیق.....
13.....	سوابق تحقیق.....
15.....	سازماندهی تحقیق.....

فصل دوم: چارچوب مفهومی

19.....	آنتونی گیدنز: سیاست رهایی‌بخش ، سیاست زندگی.....
24.....	فریدریش فون هایک: خردگرایی تحولی ، خردگرایی صنع‌گرا.....
32.....	دین عامیانه: چیستی و چگونگی دین روزمره مردم.....

47.....جمع‌بندی

فصل سوم: دین علمی و دین عامیانه در اندیشه مهندس مهدی بازرگان

54.....اوضاع سیاسی اجتماعی دوران.....

63.....اصول ایدئولوژی اسلامی بازرگان.....

64.....بینش پوزیتیویستی..... -

66.....اسلام، دین سیاسی..... -

69.....سیر تکامل دین..... -

72.....ضرورت اخلاق اجتماعی..... -

77.....ضرورت عمل تشکیلاتی..... -

79.....قرآن پژوهی..... -

81.....فقه..... -

83.....ارتباط با دین عامیانه.....

99.....تحلیل و جمع‌بندی.....

فصل چهارم: دین ایدئولوژیک و دین عامیانه در اندیشه دکتر علی شریعتی

107.....شرایط سیاسی اجتماعی دوران.....

113.....اصول ایدئولوژی اسلامی شریعتی.....

115.....دین به مثابه یک ایدئولوژی..... -

118.....	پروژه اصلاح دینی.....	-
120.....	رساناس اسلامی.....	-
122.....	جهان بینی تو حیدی.....	-
123.....	بازگشت به خویشتن.....	-
125.....	روشنفکر و رسالت وی.....	-
129.....	عرفان ، برابری ، آزادی.....	-
134.....	الگوی سخن بسیج کننده سیاسی.....	
137.....	ارتباط با دین عامیانه.....	
154.....	تحلیل و جمع بندی.....	

فصل پنجم: دین عارفانه و دین عامیانه در اندیشه دکتر عبدالکریم سروش

163.....	شرایط سیاسی اجتماعی دوران.....	
168.....	اصول اندیشه سیاسی دینی سروش.....	
170.....	قبض و بسط تئوریک شریعت.....	-
174.....	شریعت صامت.....	-
176.....	دین اقلی و دین اکثری.....	-
178.....	نفی دین و جامعه ایدئولوژیک.....	-
181.....	فقه.....	-
184.....	دین داور.....	-

185.....	- خدمات و حسنات دین.....
187.....	- حقوق و تکالیف.....
188.....	ارتباط با دین عامیانه.....
204.....	تحلیل و جمع‌بندی.....

فصل ششم: پیامدهای نظری و عملی (نقد و ارزیابی)

214.....	سیر تحول نسبت اسلام سیاسی و اسلام عامیانه.....
228.....	دلایل و عوامل بروز فاصله میان اسلام سیاسی و اسلام عامیانه.....
229.....	- عامل معرفتی.....
237.....	- عامل عینی.....
243.....	نقد و ارزیابی.....
251.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
255.....	فهرست منابع.....

«هیچ مولفی نمی‌تواند تألیف را به پایان برد اما احساسی از ناخشنودی، فرصت‌های

از دست رفته، بحث‌های مهم ناگفته و موضوع حیاتی کاملاً باز نشده نداشته باشد»

ایزنه کن ذیر

فصل اول

کلیات تحقیق

1-1 طرح مساله

از آنجا که نقش ارزش‌های دینی در تمامی ادوار تاریخ به عنوان عنصر مکمل فرهنگ سیاسی جوامع بوده است، یکی از مواردی که رابطه‌ساز میان دین و سیاست محسوب می‌شود نوع فعالیت‌ها و نظریه‌پردازی روشنفکران در حوزه دین‌شناسی است. در دین‌شناسی از جایگاهی و رای ایمان و احساس دینی و فارغ از ارزش و تکلیف به شناسایی معرفت دینی می‌پردازیم. یکی از چند حوزه قابل بررسی در بحث دین‌شناسی تفاوت میان دو نوع دینداری عوام (طبقه اصلی دینداران) و خواص (علما و روشنفکران) است که در تمامی اعصار همواره وجود داشته است. این دو، در سطح نظر و عمل با یکدیگر مغایرت داشته و هر گروه در تدین خود اصول و قواعد خاصی دارند. در حیطه دین‌شناسی اکثریت عامه چیستی، چگونگی، کارکردها و اهداف دین توده مردم تبیین و تشریح می‌شود. اصولاً ایمان مذهبی اینان بر مبنای خودآگاهی و دانایی انگاشته نمی‌شود، و به همین دلیل ارزش چندانی را هم به نظر دارا نمی‌باشد اما در حقیقت تاثیر و کارکرد همین معرفت دینی عامیانه بر سطوح مختلف جامعه بسیار جدی و قابل تأمل است. اندیشه مذهبی مهمترین تکیه‌گاه و پویاترین بعد فرهنگ سنتی مردم ایران بوده است و به همین ترتیب توانسته با خصائل عاطفی و احساسی خود در طول زمان به نیازهای مردم پاسخ دهد. گذشته از اینکه در پیوندی خاص با ساخت سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه هم قرار گرفته است. به این سان دین به اولین سپر در مقابل اندیشه‌های جدید غربی تبدیل شد و در پی آن کارکردهای هویت‌بخشی و معنادهی‌اش در قبال سرگشتگی‌های عامه تشدید شد.

حوزه دیگر دین‌شناسی بررسی دین خاصه یا عالمان و اندیشمندان دینی است که عمده فعالیت و آثار آنها برای آگاهی‌بخشی به احساس و باور دینی توده مردم به منظور جهت‌دار کردن معرفت دینی ایشان در راستای دینی مسئولیت‌زا و تعهدآفرین است.

اما موضوعی که نوعی نسبت و رابطه میان این دو سطح ایجاد می‌کند و دغدغه این پایان‌نامه را شکل داد این است که هنگامی که در سطح تحلیلی و رسانه‌ای سخن از اسلام، اسلام سیاسی و چند و چون معارف دینی است علی‌الصول با روایت‌های ساخته و پرداخته شده روشنفکران و علمای دینی مواجهیم. فرض بنیادی در این روایت‌های ساخته و پرداخته شده‌ی فکری خواص آن است که اسلام جاری در فعل و گفتار عموم مردم صورت غیر استاندارد دینی است و قرائت‌های مدرن شده علما و روشنفکران در صدد اصلاح و ترمیم این صور متعارف و روزمره است.

همین نکته و فاصله مفروض میان دین علما و روشنفکران با دین منتشر در زندگی روزمره سرچشمه ظهور سرمایه سیاسی اسلام از دهه 1320 به بعد بود. به عبارت دیگر دعوی اسلام اصیل بر همین روایت‌های تنقیح شده روشنفکران بنا شد. و اراده به اصلاح دین عوام به آنان وزن و اعتبار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بخشید. و به این ترتیب اسلام سیاسی به یک سرمایه بزرگ تبدیل شد.

آنچه در این فاصله‌گذاری میان اسلام روشنفکران و اسلام عامیانه مفروض قلمداد می‌شود تهی بودن دین عوام از اصالت، توأم بودن آن با خرافه، جهالت و تقلید، عاطفی بودن بیش از حد و ... است و فرض بر این است که اسلام روشنفکران اصولاً از مرجعی خارج از افق روزمرگی تغذیه می‌کند.

در واقع اگر دین را مجموعه‌ای از باورها و باورهای دینی را نمادین بدانیم، دین به مجموعه‌ای از نمادها تبدیل گشته که این نمادهای دینی 4 کارکرد خواهند داشت:

1. برانگیختن اراده‌ها به فعل اخلاقی
2. ایجاد پیوند اجتماعی از طریق نمادهای مشترک
3. مبادله تجربیاتی که از طریق شعر و نمادها بیان می‌شوند

4. باز کردن چشمان افراد به ساختار سامانمند جهان و ژرف‌نگری به رازهای آن¹

در زندگی روزمره کارکردهای اول و دوم حضور بیشتری دارند. این نمادها به حیات شخصی عمق می‌بخشند و جریان عادی زندگی را معنادار می‌کنند و به دیندارانی که نمی‌خواهند مجراهای عقلانی و علمی به فعل اخلاقی انگیزه شوند (فعل اخلاقی لازم در ساختار زندگی روزمره) یا به پیوندهای اجتماعی از نگاهی عقلانی نمی‌نگرند فرصت می‌دهند که از منظر دین، زندگی عادی را برای خود قابل تحمل بسازند. اما کارکردهای سوم و چهارم فراتر از حد زندگی روزمره و مختص خواص و علما بوده و شکاف میان دین و زندگی روزمره را حکایت می‌کنند.²

اما آنچه به دلایلی که متعاقباً خواهیم گفت در این پایان‌نامه فرض گرفته، دفاع از اصالت‌های جاری در دین عوام است. فرض ما مبنی بر آن است که یورش دین خواص به دین عوام، بعضاً این دین را تهی از کارکردهای مهم و موثر آن در زندگی روزمره می‌کند و توانایی تولید هنجارمندی اخلاقی، امید افکنی، انعطاف‌پذیری و ... و صفات مهمی چون سازگاری، دوام و مقاوم بودن و ... را از آن اخذ می‌کند، بدون آنکه جانشینی برای آن عرضه کند.

با این پیش‌فرض تلاش داریم سیر تحول جریان روشنفکری دینی و نسبت آن با دین عوام را موضوع تحلیل و بررسی و نقد قرار دهیم.

بر این اساس ضمن مطالعه آثار دکتر شریعتی، ناگزیر از پرداختن به دو روشنفکر دینی دیگر نیز هستیم که هر کدام نماینده یک گرایش خاص هستند و بررسی و حتی مطابقت دادن آنها با یکدیگر می‌تواند تکمیل‌کننده نتایجی باشد که در کاوش اندیشه شریعتی با آن برخورد می‌کنیم.

عمده تلاش بازرگان برای انطباق گزاره‌های دینی با تفاسیر علمی تجربی دنیای جدید بود. شریعتی به طور مشخصی برجسته‌ترین چهره جامعه‌شناسی دینی در ایران است. و دکتر سروش با دانش معرفت‌شناختی و فلسفی

¹ مجید محمدی، دین علیه ایمان (مباحثی در جامعه‌شناسی دین)، تهران، کویر، 1378، ص 240

² مجید محمدی، پیشین، ص 241

مبتنی بر آگاهی از علوم دینی سنتی و جدید، نگاه معرفت‌شناختی را در حوزه اندیشه دینی پس از انقلاب نمایندگی می‌کند.

1-2 هدف تحقیق

اهداف تحقیق عبارت از ضرورت‌های خاصی است که انجام تحقیق را ایجاب می‌سازد. اهداف این تحقیق به

شرح زیر است:

1. مطالعه رابطه میان آموزه‌های روشنفکران دینی (بازرگان، شریعتی، سروش) با دین عامیانه

2. بررسی سیر و روند تحولی این نسبت در سنت روشنفکری دینی

3. ارزیابی و نقد روند مذکور

1-3 اهمیت تحقیق

بررسی ابعاد و زوایای جریان‌های مختلف روشنفکری در ایران از مباحث پر طرفدار و آکادمیک است که مستمراً ضرورت پرداخت به آن حس می‌شود. قشر روشنفکران دینی همواره تاکید بر تفکیک جوهره اسلام از فرهنگ رایج اسلامی داشته و آیین‌ها، عقاید و عناصر احساسی و عاطفی و غیرمنطقی فرهنگ عوامانه اسلامی را نکوهیده است. و در مقابل بر سازه‌های عقلانی، عالمانه و معرفتی دین خواص اصرار ورزیده است. این روند در طول زمان افزایش یافته و خصوصاً پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران صورتی عمیق‌تر به خود می‌گیرد. تاکید روشنفکر بر ایجاد و تاسیس یک دین خاص گرایانه و دوری گزیدن و تحقیر مذهب روزانه موجود در سطح توده مردم سرانجام شکافی را میان فرهنگ و دین عوام با فرهنگ و دین روشنفکری موجب می‌گردد که رهایی از بحران

ناشی از آن مستلزم تعدیل در نوع نگاه و سیاست‌های روشنفکر نسبت به مذهب روزمره عوام است. بنابراین اهمیت این پژوهش این است که فارغ از هرگونه حبّ و بغض، چرایی، چگونگی و پیامدهای سیاسی کردن آیین‌ها و اسطوره‌های دینی و نیز به خدمت گرفتن و یا تغییر و شالوده‌شکنی مفاهیم و عقاید مذهبی دین توده مردم برای کاربست در راستای نظریات نخبه‌گرایانه و اعمال سیاست‌های عملی اصطلاحاً آزادی‌بخش در سطح اجتماع را تشریح کند و به آسیب‌شناسی این معضل بپردازد.

1-4 سوالات تحقیق

1. اسلام سیاسی بنا به روایت روشنفکران دینی، طی نیم قرن گذشته چه نسبتی با دین عامیانه برقرار کرده است؟
 - 1-1. روایت مهندس بازرگان از اسلام سیاسی چه نسبتی با اسلام عامیانه برقرار می‌کند؟
 - 2-1. روایت دکتر شریعتی از اسلام سیاسی چه نسبتی با اسلام عامیانه برقرار می‌کند؟
 - 3-1. روایت دکتر سروش از اسلام سیاسی چه نسبتی با اسلام عامیانه برقرار می‌کند؟
2. نسبت روشنفکران دینی با اسلام عامیانه چه روندی را طی کرده و نیز چه پیامدهای نظری و عملی را در پی داشته است؟

1-5 فرضیه‌ها

1. اسلام سیاسی در ادعا به طور رادیکال منتقد اسلام به معنای عوام است و آن را دین منسوخ‌شده می‌داند، در حالی که خود را یک دین فرهیخته‌شده می‌شناساند.
 - 1-1. تحلیل محتوای آثار بازرگان گویای این امر است که وی در نقطه‌های آغازین جریان روشنفکری دینی معاصر

چندان دین عامیانه را به چالش نمی کشد و از این رو گسست میان شخص و واقعیت زندگی روزمره اش ایجاد نمی کند.

2-1. بررسی تولیدات فکری شریعتی نشان می دهد بخش مهمی از محصولات فکری وی ضمن رویکرد انتقادی بالنسبه در قبال دین عامیانه، تحت تاثیر این قرائت و در جهت استخدام کردن عناصری از آن است؛ و به همین جهت در هر صورت توان برقراری ارتباط با آن را دارد.

3-1. از خلال تشریح و تبیین نظریات سروش می توان پی برد که تا چه حد روشنفکری دینی پس از انقلاب با استمداد از ذهنیت عقلانی افراطی، به سخره و تحقیر زندگی و دینداری عینی توده پرداخته و در نتیجه فاصله آن با این خوانش دینی روز به روز شدت می گیرد.

3. سیر تحول نسبت میان روشنفکری دینی و دین عامیانه در جهت فاصله گرفتن هر چه بیشتر از آن است. ضمن اینکه پیامدهای نظری این ناسازگاری، تعارضات متفاوت در بطن تولیدات فکری و نظری است.

پیامدهای عملی آن هم این است که زمینه ساز فهمی از دین می شود که ضمن اینکه از آن تغذیه می کند اما برخی کارکردهای دین عوام مانند هویت بخشی و زاینده گی و خلاقیت در زندگی روزمره را از آن می گیرد.

6 - 1 تعریف مفاهیم

1 - 6 - 1 روشنفکر

در تعریف لغوی این واژه به معنای «خواندن میان است»، یعنی توانایی خواندن میان امور واقع و ادراکات زندگی روزانه. این کلمه به معنای شناختن و شناخت فراگیر است که به مدد عقل نقاد از واقعیات فراتر می رود و کار خود را با پرسش گری آغاز می کند»، «روشنفکر در زبان فارسی برابر با انتلکتوئل (در لفظ به معنای کسانی که اهل

قضاوت عقلی و سنجش گرانه در امور هستند، از انتلکت به معنای قوه عقلی) در زبان فرانسه وضع شده و در دوران مشروطیت آن را منورالفکر ترجمه می کردند» و روشنفکر «کسی است که دارای ذوق و قریحه واضح و آشکار و یا بیش از حد افراطی برای امور ادراکی ذهنی و عقلی است؛ کسی که در نزد او زندگی و حیات فکری و ذهنی به طور برجسته حاکم است».¹

همچنین روشنفکران کسانی هستند که از چارچوب‌های سنتی در هر زمینه فراتر می‌روند، ارزش‌های جدید ایجاد می‌کنند یا به ارزش‌های قدیم جامه‌ای نو می‌پوشانند، دستگاه‌های فکری جدید برای تبیین وجوه مختلف زندگی عرضه می‌کنند، با به کارگیری اندیشه و قدرت انتقادی به حل مسایل و مشکلات علمی می‌پردازند، به فلسفه‌های جدیدی برای زیستن می‌پردازند، از وضع موجود اجتماعی و سیاسی انتقاد می‌کنند و به طور خلاصه از چنبر چارچوب‌های رایج در اندیشه، فرهنگ، علم و هنر بیرون می‌روند.²

پس به طور کلی واژه روشنفکر برای تعریف کسی است که عمدتاً به کار فکری می‌پردازد. لفظ روشنفکر معنای ضمنی خلاق بودن و نقاد بودن را نیز در بر دارد.

در تعریف اصطلاحی هم روشنفکر به کسی گفته می‌شود که «ضمن داشتن تحصیلات عالی دارای دغدغه‌ها و تأملات فکری، اجتماعی و سیاسی است، او در مسایل و امور مربوط به انسان و بشریت اعم از انسان جامعه خود و بشر جهان دارای موضع تعهد و مسئولیت است. روشنفکر در بود و نبوده‌های جامعه بشری دارای دغدغه و صاحب نظر است».

ادوارد سعید نیز معتقد است روشنفکر فردی است با یک قوه ذهنی وقف شده برای فهماندن، مجسم کردن و تبیین یک پیام، یک نظریه، یک رویه، فلسفه یا اندیشه، هم برای همگان و هم به همگان.... روشنفکر نه یک

¹ Intellectual

² حسین بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر نی، چاپ 12، 1385، ص 247

اصلاح طلب و نه یک سازنده وفاق عمومی است. روشنفکر کسی است که همه هستی‌اش به یک تشخیص و تمیز انتقادی موقوف است؛ تشخیص و تمیزی که حاضر به قبول فرمول‌های ساده، عبارت‌های پیش پا افتاده یا یکنواخت و در واقع همسازی با آن چیزی نیست که قدرت یا سنت می‌گوید و باید انجام داد.¹

آنچه به شخصیت یک روشنفکر قوام می‌بخشد، شرکت فعال در زندگی به عنوان سازنده، سازمان‌دهنده و قانع‌کننده دائمی است.²

به طور کلی مهمترین ویژگی‌هایی که برای روشنفکران در تعریف‌ها و برداشت‌های گوناگون عنوان شده عبارتند از: «خلق اندیشه‌های نو، فراتر رفتن از سنت‌ها و چارچوب‌های رایج اندیشه، علاقه به مصلحت عمومی، انجام کار فکری مستمر به عنوان حرفه اصلی (در مقابل کار بدنی)، نقد وضع موجود سیاسی-اجتماعی، عدم وابستگی به علایق طبقاتی خاص، پرداختن به مشرب‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی، عرضه "شیوه‌های جدید زندگی"، تعقل و تفکر در امور جامعه و سیاست و فرهنگ، آگاهی از منازعات و کشمکش‌ها در جامعه بر سر قدرت سیاسی، خلق و انتقال فرهنگ، خلق نظریه‌های اجتماعی، ارتباط با بعد ذهنی حیات اجتماعی در مقابل بعد عینی و تولیدی آن، عرضه سمبلیک منافع اجتماعی طبقات حاکم یا غیر حاکم، پشت کردن به سنت‌های عامیانه، هدایت جامعه به سوی خواست‌ها و علایق و آموزه‌های راستین در مقابل علایق روزمره و گذرا، نارضایتی از هر وضع موجودی، شناخت مشکلات و تعارضات اصلی جامعه و ارایه راه‌حل و پیش‌بینی مسیر آینده، بازاندیشی و نو اندیشی، علاقه به مسایل انتزاعی و کلی، دردشناسی اجتماعی در مقابل دانشمندی به مفهوم سنتی آن و بی‌اعتمادی نسبت به صاحبان قدرت».³

¹ رضا دهقانی، روشنفکران دینی و دینداران روشنفکر (خاستگاه نظری)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1386، ص 34

² رضا دهقانی، پیشین، ص 33

³ حسین بشیریه، پیشین، ص 248

1-6-2 روشنفکر دینی

اصطلاحی است جدید که بعد از انقلاب اسلامی و به خصوص در سال‌های اخیر در ایران وضع گردیده است. روشنفکری دینی در معنای حداقلی هم روشنفکر و هم دیندار است یعنی هم دارای مشخصات و ممیزات روشنفکری است و هم ویژگی‌های دینداری را دارا می‌باشد. روشنفکران دینی کسانی هستند که می‌دانند میان ما و دنیای مدرن فاصله‌ای هست و در می‌یابند که تقید به دین سنتی در دنیای جدید ناممکن است و دستاوردهای این دنیا را نادیده نمی‌توان انگاشت. آنها می‌کوشند برای پر کردن این فاصله راهی بیابند و تصور می‌کنند تلفیقی از سنت دینی و بعضی از ارزش‌های مدرن تنها طریق ممکن پر کردن این فاصله و تنها راه چاره است.¹

خصوصیات خاص تری که می‌توان برای روشنفکری دینی بر شمرد از این قرار هستند: «کالبد شکافی دینی، بنای جامعه دینی، همگام کردن اندیشه دینی و معرفت عصری، احیای دین، گره زدن آسمان به زمین، دیده‌بانی معرفت دینی، نگاه بیرونی داشتن به دین و جامعه دینی، رسالت پیامبرانه داشتن، ایجاد یک پروتستان‌تیسیم اسلامی، شعار بازگشت به خویشتن و...»².

1-6-3 اسلام سیاسی

این مفهوم بیشتر برای توصیف آن دسته از جریان‌های سیاسی اسلامی به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند. بنابراین اسلام سیاسی را می‌توان گفتمانی به شمار آورد که گرد مفهوم مرکزی "حکومت اسلامی" نظم یافته است. هوادارن اسلام سیاسی، اسلام را به مثابه یک ایدئولوژی جامع در نظر گرفته که دنیا و آخرت انسان را در بر می‌گیرد و برای همه حوزه‌های زندگی دستورها و احکامی دارد. هدف نهایی اسلام

¹ رضا دهقانی، ص 84

² محمدعلی زکریایی، درآمدی بر جامعه‌شناسی روشنفکری دینی، تهران، آذرین، 1378، ص 47